

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

مبانی بحث غربالگری که شش قاعده بود (از جمله حرمت سقط جنین، بحث قاعده اضطرار، قاعده دفع ضرر) روشن شد و اگر به این مبانی توجه کنیم جواب سؤالات مربوط به غربالگری کاملاً روشن است.

مرحله اول

مرحله اول این است که می‌خواهند تشخیص بدهند چند درصد احتمال نقص در این جنین وجود دارد؟ متخصصین می‌گویند این مرحله اول ضرر مهم و معتنا بهی برای این جنین ندارد و اگر ضرری هم باشد ضررش بسیار نادر است. روی این فرض که ضرر در این مرحله اول نادر باشد؛ چون در سه ماهه اول، مرحله اول برای تست غربالگری است و سه ماهه دوم هم مرحله دوم است. مرحله اول که تمام می‌شود اگر احتمال وجود نقص باشد (مثلاً یک کروموزوم اضافه دارد) منتهی تشخیص قطعی‌اش در سه ماهه دوم است. در سه ماهه دوم می‌گویند ممکن است موجب سقط جنین بشود و یا این‌که خطری بر جنین وارد بشود.

پرسش اول: جواز غربالگری

اولین سؤال این است که آیا زنی که حامله است و احتمال می‌دهد که فرزندش نقصی داشته باشد می‌تواند غربالگری کند؟ در پاسخ باید گفت که در سه ماهه اول اصل غربالگری برای مادر مباح است و مادر می‌خواهد خودش ببیند آیا فرزندش سالم است یا نه؟ با فرض اینکه یک ضرر مهم قابل توجهی، نه به فرزند وارد می‌شود و نه به خودش.

بنابراین برای زن غربالگری در سه ماهه اول بدون هیچ تردیدی جایز است، بر اساس اینکه می‌گویند ضرر مهم معتنا به سراغ جنین نمی‌آید با این تست‌ها و آزمایشاتی که دارند و نه به سراغ خود مادر می‌آید، هیچ کدام از اینها متضرر نمی‌شوند.

پرسش دوم: اذن شوهر در غربالگری

آیا در این مرحله (یعنی ماه اولی است که زن حامله است) اذن شوهر در اینجا لازم است یا نه؟ به نظر می‌رسد بله، نیاز به اذن شوهر دارد؛ چون این ولد یک جهتش مربوط به این مرد است، بالاخره این ولد متکون از نطفه است، نطفه هم متکون از اسپرم مرد و اسپرماتوزوئیت زن است. لذا چون مؤلف از هر دو است مرد هم نسبت به این حق دارد. حال اگر هم به ضرر قاطع نگوئیم که باید از مرد اجازه بگیرد، احتیاط آن است که از شوهر خودش اجازه بگیرد.

ما در کتاب موسوعه احکام الاطفال، در اینکه فرزندآوری (حق الاستیلاذ) حق زن است یا مرد یا برای طرفین است، یعنی باید بگوئیم طرفین باید به توافق برسند تا فرزند بیاورند؟ در عرف مردم این است که زندگی مشترک و حق مشترک برای زن و مرد است و باید با هم توافق کنند که یک ولدی را بیاورند، آنجا ما ادله‌ای آوردیم که این حق برای مرد است و حتی زن حق ممانعت ندارد و حق الاستیلاذ برای مرد است. بنابراین با توجه به اینکه در آنجا ما حق الاستیلاذ را برای مرد می‌دانیم و با توجه به اینکه این ولد هم مشترک بین این زن و مرد هست، احتیاط آن است که لااقل این زن از مرد برای غربالگری اجازه بگیرد.

پرسش سوم: الزام حکومت بر غربالگری

آیا حکومت می‌تواند زن‌های حامله را مجبور به این امر کند یا نه؟ آیا حکومت می‌تواند یک قانونی وضع کرده و بگوید: هر زنی که حامله می‌شود باید برای غربالگری بیاید؟ همان‌گونه در سال 1384 قانونی که در مجلس شورای اسلامی وضع کردند الزام بود به اینکه هر زنی باید غربالگری برود.

چرا حکومت می‌خواهد این کار را انجام بدهد؟ چون بچه‌های ناقص الخلقه و منگل یا بچه‌هایی به دنیا می‌آیند که قلبشان مشکل دارد یا از اعضای رئیسی بدنشان مشکل دارد، مخارج سنگینی برای درمان اینها تا وقتی که بمیرند باید متحمل شود، این مخارج بالاخره هم بر دولت و حکومت سنگینی می‌کند و هم بر پدر و مادر. وجود منگل در جامعه یک هزینه‌هایی برای حکومت دارد، حکومت برای اینکه بخواهد افراد سالم در جامعه باشند، یک چنین قانونی را وضع می‌کند کما اینکه وضع کرد و به نحو الزامی هم بود، بعداً این اواخر یک مقداری کنار گذاشتند، آیا حکومت می‌تواند الزام کند؟

کسانی که دنبال این هستند که بگویند حکومت می‌تواند الزام کند، اساس حرفشان به این برمی‌گردد که باید یک جامعه با نشاط و سالمی را داشته باشد تا نسل‌ها و جوان‌ها رشد پیدا کنند. اگر بخواهد در کنار هر ده نفر دو تا انسان منگل باشد و بخواهد هزینه‌ها را صرف آنها کند، اینها نیاز به بیمارستان، دارو و دکتر دارند و این هزینه‌هایی که می‌خواهد صرف بشود. حتی در بعضی از نوشته‌ها (کتابی در این باره که توسط معاونت محترم به چاپ رسیده) دیدم عوارضی که برای فرزندان ناقص الخلقه وجود دارد اگر یک بچه ناقص الخلقه‌ای به وجود بیاید والدین یک احساس گناه و تقصیری می‌کنند و می‌گویند ما چه چیزی را رعایت نکردیم و ما مقصر بودیم در اینکه این بچه ناقص الخلقه به وجود بیاید.

لذا این بچه ناقص الخلقه که به وجود می‌آید دو نفر دیگر را هم افسرده می‌کند که پدر و مادر هستند، اینها احساس تقصیر می‌کنند، حتی ممکن است بگویند ما خودمان چه گناهی کرده بودیم که خدا ما را به این وسیله تنبیه می‌کند؟! طبق آمار برخی از خانواده‌ها بیش از 50 درصد درآمد خودشان را برای این کودکان ناقص الخلقه خرج می‌کنند؛ یعنی اگر چهار نفر باشند نصفش را برای یک نفر قرار می‌دهند و نصف دیگر را برای سه نفر قرار می‌دهند!

پس عناوین متعددی که بعضی‌هایش را می‌شود با هم ادغام کرد، آوردن احساس گناه در تقصیر در والدین، اضطراب و نگرانی والدین، این هم در عنوان اول قرار می‌گیرد، احساس ناکامی و نارضایتی، هزینه‌های مالی، اینها چیزهایی است که قابل ادغام است. بنابراین به طور کلی حکومت که می‌خواهد تدبیر امور مردم کند یکی از راههای تدبیر این است که جلوگیری کند از به وجود آمدن فرزندان ناقص الخلقه برای اینکه جامعه نشاط داشته باشد، هزینه‌ها درست صرف بشود، هزینه‌ها از اول صرف افراد معیوبی نشود که به درد جامعه نمی‌خورند، آیا حکومت می‌تواند این کار را انجام بدهد؟ (حتی در آن قانون قبلی آمده بود که اگر مادری که بچه‌ای در رحم دارد و غربالگری نکند، محروم از یک سری مزایای اجتماعی می‌شود، مثلاً بیمه‌اش را قطع می‌کنند، یک سری مزایای دیگر مثل قطع کردن یارانه جزء آن قانون آمده است).

بررسی پرسش سوم

در پاسخ از این پرسش، بررسی سه بحث لازم است:

بحث اول: حق حکومت در مسئله غربالگری

آیا حکومت حق ورود به این قضیه را دارد یا نه؟ آیا حکومت به عنوان حاکم حق دارد که به افراد بگوید باید بچه‌هایتان سالم باشند؟ اصلاً چنین حقی از شؤون حکومت هست یا نه؟ این روشن است که بله، چطور می‌گوییم حکومت حق دارد بگوید خانه‌ات را چطور بساز، این حق را دارد. الآن کسی نمی‌تواند بگوید من یک زمینی دارم «الناس مسلطون علی اموالهم» می‌گوید تو ده طبقه بساز یا یک طبقه! ولی حکومت منع می‌کند. معنای تدبیر همین است.

بنابراین حکومت همان‌گونه که در خانه سازی، تغذیه و حتی کشاورزی ولو حکومت دینی هم نباشد و اگر افرادی آمدند کسانی را حاکم قرار دادند، حاکم چطور می‌تواند بگوید در این زمین باید گندم بکاری، الآن به این نتیجه رسیدند که وضع آب خیلی بد است و نباید هندوانه کاشته شود، کشورهای خلیج فارس همه هندوانه‌شان را از ایران می‌برند و خودشان حاضر نیستند هندوانه بکارند چون خیلی باید آب مصرف کنند. حکومت می‌گوید زارع باید در این زمین گندم بکارد و حق ندارد هندوانه بکارد، حکومت تدبیر در همه شؤون جامعه است. یک کسی که بچه منگل به دنیا می‌آورد اگر کاری به حکومت و جامعه نداشت و می‌خواست در خانه باشد و خرج و زحمتش با خودش بود یک بحث بود، ولی او می‌خواهد از خانه بیرون بیاید و با جامعه ارتباط داشته باشد مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

به بیان دیگر، هر امری که مربوط به اجتماع می‌شود حکومت می‌تواند در آن دخالت کند، فرزند یک امر شخصی نیست. لذا وقتی حکومت خیال می‌کرد فرزند زیاد مانع از رشد جامعه است، شعار فرزند کمتر زندگی بهتر را مطرح کرد که بعد فهمیدند اشتباه بوده! الآن برعکس تشویق می‌کنند به فرزندآوری، خود وجود فرزند برای بقاء اجتماع لازم است، اینکه بگوئیم حکومت چکار دارد زاد و ولد باشد یا نه؟ آیا حکومت در اصل زاد و ولد می‌تواند دخالت کند؟ بله، بگوید من ازدواجی را قانونی می‌دانم که بعداً زاد و ولد بشود مگر اینکه کسی مانع تکوینی داشته باشد.

پس این مطلب روشن است که حکومت می‌تواند در این مسئله دخالت کند و برای حکومت جایز است و فرقی هم بین حکومت دینی و غیر دینی نمی‌کند، چه بسا بگوئیم حکومت دینی به طریق اولی، چون حکومت دینی را ما مشروع می‌دانیم.

بحث دوم: الزام حکومت بر غربالگری

بحث دوم الزام است، آیا حکومت می‌تواند الزام به غربالگری در مرحله اول کند یا نه (فعلاً به مرحله دوم نرسیدیم)؟ در مرحله اول فرض این است که ضرری متوجه جنین و مادر نمی‌شود، اگر یک ضرری هم باشد ضرر لا یتعد به است و خیلی مهم نیست، آیا می‌تواند الزام کند یا نه؟ ما اگر بگوئیم اصل برائت است حق الزام ندارد، اولین مشروعیت «کل شیء جایز» هم می‌تواند شامل آن بشود، ادله‌ای که داریم «کل شیء لک مباح» هم به یک معنا می‌تواند شامل خود دخالت‌های حکومت بشود و مسئله فردی نیست که برای فرد باشد. منتهی آنجا موضوعش اجتماع است، هر چیزی که مربوط به اجتماع است، اما در باب الزام اصلاً خود حکومت اول شک کند برای من واجب است در مسئله غربالگری دخالت کنم یا نه؟ می‌گوئیم اصل اولی عدم الوجوب است و برایش واجب نیست، حال اگر دخالت کرده و قانون جعل کرد آیا می‌تواند افراد را الزام کند؟

سؤال اصلی همین است که آیا حکومت برای دفع مفاسد مهمه (که منگل بودن یک انسان یک مفسده‌ای است)، البته بحث این است که هنوز این بچه به دنیا نیامده و در سه ماهه اول است، در سه ماهه اول تا یک حدی می‌توانند بفهمند که این بچه آیا منگل هست یا نه؟ اما حد اطمینانی‌اش در سه ماهه دوم است. در سه ماهه اول می‌تواند افراد را الزام کند، با توجه به اینکه خطری برای مادر و جنین ندارد و اگر الزام کرد، اولاً بگوئیم آیا می‌تواند الزام کند یا نه؟ بله، می‌تواند الزام کند.

ما سقط را حتی روزهای اول تکون جنین حرام می‌دانیم. بعضی از اینها از جهت بدنی کم‌خونی دارند و یکی از راههایی که غربالگری می‌کنند تا بچه‌هایی که کم‌خونی دارند و یا اوتیسم دارند را تشخیص بدهند. ما معتقدیم اگر بچه معیوب هم باشد سقط آن حرام است، ولی ممکن است داروهایی را استفاده کند که این عیب‌هایش کمتر بشود. یک مواردی هم استثنا می‌شود، جایی که جان مادر در خطر است استثنا می‌شود، یک مواردی هست که اگر امر بین جان مادر و این جنین باشد سقط جایز می‌شود، این را در بحث سقط جنین گفتیم.

بنابراین در مرحله اول حکومت می‌تواند به خاطر دفع این مفاسد مهمه الزام بر غربالگری کند. یک مفاسد خیلی مهمی وجود دارد، مثلاً اگر الآن آزمایش کنند و معلوم بشود چه بسا با یک داروهایی با هزینه کم بسیاری از مشکلات این بچه حل بشود، علم

هم روز به روز پیشرفت می‌کند، ما گفتیم دفع ضرر محتمل شرعاً واجب است، اگر کسی قاعده وجوب دفع ضرر محتمل عقلاً را انکار کند مثل مرحوم محقق اصفهانی، ولی ما از مذاق شرع استفاده می‌کنیم دفع ضرر محتمل شرعاً واجب است، اگر دفع ضرر واجب است، فرقی نمی‌کند برای انسان اگر تشخیص داد ضرر مهمی در پیش است دفع آن شرعاً واجب است.

حکومت اگر احتمال داد در یک جایی ضرر مهمی وجود دارد، مثلاً حکومت برای اینکه دشمن نتواند غلبه پیدا کند دیوارهایی را در مرزها می‌کشند این برای دفع ضرر است، واجب است این کار را انجام بدهد، نه اینکه بگوئیم جایز است اگر انجام داد نداد! اگر می‌بیند دشمن از آن طریق می‌تواند وارد کشور بشود باید راه‌ها را ببندد، دیوارکشی کند، که گفتیم به نظر ما دفع ضرر محتمل هم عقلاً لازم است و هم شرعاً لازم است ولو قاعده ملازمه را هم کنار بگذاریم (طبق توضیحی که در جلسه قبل بیان کردیم).

بحث سوم: بررسی لزوم تبعیت از حکومت

پس فعلاً می‌گوئیم حکومت می‌خواهد بر غربالگری مرحله اولی الزام کند. مرحله اولی آزمایشاتی است که موجب سقط جنین نیست، گفتیم می‌تواند الزام کند. حال اگر الزام کرد یک وقتی یک آثار وضعی برایش بار می‌کند که اگر زنی این کار را نکرد از چه و چه محروم است که روشن است، آیا اثر تکلیفی هم بر این بار است؟ گاهی می‌پرسند که مخالفت با قوانین نظام جمهوری اسلامی حرام است یا نه؟ موجب معصیت است یا نه؟ دو نوع مخالفت داریم: اگر به عنوان مخالفت با حکومت باشد حرام است، اما اگر کسی از مسیر چراغ قرمز غیر قانونی عبور می‌کند، روی لایبالی‌گری که در رعایت قوانین دارد و نمی‌خواهد با نظام مخالفت کند، نمی‌شود گفت معصیت مرتکب شده و از عدالت ساقط است، مثلاً الآن اگر یک طلبه‌ای از چراغ قرمز عمداً عبور کرد چه کسی می‌گوید این مرتکب معصیت شده و از عدالت هم ساقط است؟! بله، اگر یک نقطه‌ای را بر دیواری بگذارد به عنوان مخالفت با نظام جمهوری اسلامی، این معصیت است.

پس تا اینجا رسیدیم به اینکه نظام هم می‌تواند الزام کند و اگر الزام کرد آثار وضعی‌اش را برایش بار می‌کند و می‌گوید: اگر زنی این کار را نکرد از این امور محروم است و این حق را دارد که اگر یک قانونی قرار داد، مثلاً می‌گوید اگر شما اضافه بنا درست کردید (و مصوب مجلس و شورای نگهبان باشد) اینجا می‌تواند آثاری برایش بار کنند.

نکته: این سؤال را این اواخر کردند که اموالی که از قاچاقچی‌ها می‌گیرند، به قاچاقچی گفتند که اگر این مال را وارد این کشور کنی مصادره می‌کنیم، الآن مصادره می‌کند و بعد در معرض فروش قرار می‌دهد و به عموم مردم می‌فروشد، آیا مردم می‌توانند این مال را بخرند یا نه؟ بله، مخصوصاً در حکومت دینی. قانون مصوب مجلس و نه قانونی که کسی برای خودش جعل کند، اگر قانون مصوب مجلس باشد می‌تواند سلب ملکیت کرده و بگوید: اگر مالی که خریدی و قاچاق هست و به صورت قاچاق وارد این کشور کردی این مال را از تو سلب ملکیت می‌کنیم و برایش عقوبت قرار می‌دهیم، زندان و جریمه می‌کنیم و ...، چطور آنجا این حق را دارد؟

اصلاً اگر حکومت چنین حقی نداشته باشد نمی‌تواند حکومت کند، آیا می‌توانیم بگوئیم حکومت حق بهداشت مردم را باید رعایت کند، مثلاً در همین بحث کرونا که بحث‌های زیادی شد که آیا این واکسن لازم است یا نه؟ ما هم می‌گفتیم لازم است، خود مراجع واکسن می‌زدند، رهبری معظم واکسن زد و این امر واضحی است. ما اینجا جلسه گذاشتیم و گفتیم اصلاً از جهت شرعی وقتی یک چنین ضرر مهمی باشد، دفعش هم واجب باشد خود آدم باید این کار را انجام بدهد، حالا عنوان دومی هم پیدا کرد و حکومت هم جامعه را الزام کرد و گفت برای اینکه نه ما بیمارستان کافی داریم و نه داروی کافی داریم و اختلال در همه کارها به وجود می‌آید واکسن بزنید تا مصون از این بیماری شوید.

نتیجه آن‌که، حکومت در مرحله اول که احتمال ضرر بسیار کم است و تشخیص هم تا یک حدی داده می‌شود می‌تواند الزام به

غربالگری کند.

و صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ